



بازنمایی حرکت در ترجمه: رویکردی شناختی

طاهره همتی^۱

آریتا افراشی^۲

چکیده

حرکت از ابتدائی‌ترین و بنیادی‌ترین تجربیات ما در زندگی قلمداد می‌گردد. این مقوله شناختی در پیچه مهمی برای بررسی شناخت بشر و زبان برای زبان‌شناسان فراهم می‌آورد. در این جستار نحوه بازنمایی رویدادهای حرکتی فصل ششم رمان هابیت (۱۹۳۷) با عنوان «از چاله به چاه» و ترجمه فارسی آن (علیزاده، ۱۳۸۳) بررسی شده است. پرسش‌های پژوهش حاضر به قرار زیر است:

۱- مشکلاتی که در ترجمه رویدادهای حرکتی به ویژه اطلاعات مربوط به شیوه و مسیر حرکت وجود دارد کدامند؟

۲- چه راهبردهایی برای برطرف نمودن این مشکلات اتخاذ شده است؟

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که نویسنده متن مذکور و مترجم فارسی‌زبان هر یک در قالب متن اصلی و متن ترجمه از راهکارهای ترجمه و ابزارهای زبانی متفاوتی برای بیان رویدادهای حرکتی بهره جسته‌اند. بدین ترتیب، بر طبق نظریه «فکر کردن برای صحبت کردن» (اسلویین، ۱۹۹۱؛ ۱۹۹۶ الف و ب؛ ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۰)، شیوه‌های متفاوت تفکر این دو سخنگوی انگلیسی‌زبان و فارسی‌زبان آشکار می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: حرکت، رویداد حرکتی، راهبردهای ترجمه، فکر کردن برای صحبت کردن، هابیت.

✉ Hemmati37249@gmail.com

۱- دانش‌آموخته زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و

مطالعات فرهنگی

✉ a.afraشي.ling@gmail.com

۲- دانشیار زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات

فرهنگی

مقدمه

تالمی (۱۹۷۵)، موقعیت حرکت یعنی گذر شی از مکان اولیه خود به طور کامل (حرکت انتقالی^۱) را رویدادی می‌داند که در آن یک شی در طول یک مسیر حرکت می‌کند. به کلام روشن‌تر، رویداد حرکتی^۲ موقعیتی است که در آن یک شی یا موجودیتی (پیکر^۳) نسبت به یک شی یا موجودیتی دیگر (زمینه^۴) در حال حرکت باشد و یا یک تداوم ایستایی رخ دهد.^۵ (تالمی (۱۹۸۵: ۸۵). رویدادهای حرکتی چهار مؤلفه پیکر، زمینه، مسیر و جزء حرکتی و دو مؤلفه جانبی شیوه^۶ و سبب^۷ را شاملند (تالمی، ۱۹۸۵). این مؤلفه‌ها توصیف دقیقی از رویدادهای حرکتی به دست می‌دهند. از آنجا که در مطالعات معنی‌شناسی شناختی، ساختارهای شناختی^۸ مرتبط با محتوای مفهومی^۹ از طریق صورت‌بندی مقوله‌های مفهومی تعیین می‌گردند، در این رویکرد مقوله حرکت به‌عنوان یکی از پرکاربردترین مفاهیم شناختی که در همه زبان‌ها بازنمایی می‌یابد، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که مؤلفه‌های حرکتی در مفهوم‌سازی رویدادهای حرکتی در حوزه زبان‌شناسی شناختی نقش مهمی ایفا می‌نمایند. در چارچوب این رویکرد، رده‌شناسی دوگانه تالمی (۱۹۹۱؛ ۲۰۰۰ب)، بر اساس روابط نظامند میان معانی و صورت‌های روساختی (فرایند واژگانی‌شدگی^{۱۰})، زبان‌های مختلف زبان‌ها را به دو دسته فعل‌بنیاد^{۱۱} و تابع‌بنیاد^{۱۲} تقسیم می‌کند. زبان‌های تابع‌بنیاد، شیوه حرکت را در ریشه فعل و مسیر حرکت را در یک تابع بیان می‌نمایند، حال آنکه زبان‌های فعل‌بنیاد، مسیر حرکت را در ریشه فعل و شیوه حرکت را در یک عبارت مجزا صورت‌بندی می‌کنند.

نظریه «فکر کردن برای صحبت کردن»^{۱۳} اسلویین^{۱۴} (۱۹۹۱؛ ۱۹۹۶الف و ب؛ ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۰)، این رده‌شناسی دوگانه را در روایت و نسبیت زبانی به کار می‌گیرد. طبق نظریه مورد وصف، سخنگویان زبان‌های مختلف جنبه‌های متفاوتی از مؤلفه‌های معنایی حرکت را از طریق انتخاب واژگانی و نحوی گفتمان روایی^{۱۵}، در زبان خود به کار می‌برند. از آنجا که تفاوت اساسی میان زبان‌های فعل‌بنیاد و تابع‌بنیاد مربوط به رمزگذاری و ادغام مؤلفه‌های معنایی شیوه و مسیر حرکت در ریشه فعل می‌باشد، الگوهای واژگانی‌شدگی^{۱۶} دارای

1. Translational motion
2. Motion event
3. figure
4. ground
6. manner
7. cause
8. Cognitive Structure
9. Conceptual Content
10. lexicalization
11. verb-framed
12. Satellite- framed
13. Thinking for Speaking
14. D.I. Slobin
15. narrative discourse
16. Lexicalization patterns

۵. مانند جمله: «مداد روی میز قرار گرفته است.»

پیامدهای گفتمانی و بلاغی مشهودی می‌باشند. این تفاوت‌ها را می‌توان در فرایند ترجمه، زمانی که مترجم، در مواجهه با زبان مبدأ، راهبردهایی را جهت انتقال رویدادهای حرکتی به زبان مقصد اتخاذ می‌نماید مشاهده نمود. ابزارهای صوری زبان، مترجمان را ملزم می‌دارد تا از راهکارهای متفاوتی برای انتقال رویدادهای حرکتی از زبان مبدأ بهره‌جویند.

پژوهش حاضر در پی آن است تا نحوه بازنمود رویدادهای حرکتی فصل ششم رمان *هابیت* (تالکین^۱، ۱۹۳۷) با عنوان «از چاله به چاه» و ترجمه آن به زبان فارسی (علیزاده، ۱۳۸۳) را مورد ارزیابی قرار دهد و از این رهگذر راهبردهایی را که مترجم در رویارویی با رویدادهای حرکتی متن انگلیسی و مشخصاً در صورت‌بندی مؤلفه‌های حرکتی مسیر و شیوه حرکت به زبان فارسی اتخاذ نموده است را شناسایی نماید. به کلام دیگر، در این پژوهش تلاش می‌کنیم تا به این پرسش‌ها پاسخ دهیم:

- ۱- راهبردهای ترجمه اسلوبین (۱۹۹۱؛ ۱۹۹۶ الف ب؛ ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۰)، برای بیان رویدادهای حرکتی در ترجمه فارسی فصل ششم داستان *هابیت* (۱۹۳۷) توسط رضا علیزاده (۱۳۸۳)، چگونه عمل می‌کند؟
- ۲- کدام راهبرد در این فرایند ترجمه (فصل ششم رمان *هابیت*) از بسامد بیشتری برخوردار است؟
- ۳- برجسته‌ترین عامل ایجاد تفاوت در بازنمایی حرکت در این ترجمه از زبان انگلیسی به زبان فارسی کدام است؟

روش گردآوری داده‌ها

پیکره پژوهش حاضر، رویدادهای حرکتی فصل ششم رمان *هابیت* می‌باشد. در گام نخست، بر اساس دیدگاه تالمی (۱۹۸۵؛ ۱۹۹۱؛ ۲۰۰۰ ب)، در خصوص مفهوم حرکت و تعریف وی از رویداد حرکتی، رویدادهای حرکتی متن مورد نظر در قالب جمله شناسایی و استخراج گردیده است. در شناسایی رویدادهای حرکتی، حرکت انتقالی و حرکت ایستایی پیکر موردنظر بوده است. بدین تعبیر که پیکر نسبت به زمینه مسیری را پیموده و یا اینکه تداوم ایستایی رخ داده است. این پژوهش در پی آن بوده است تا بازنمود رویدادهای حرکتی متن مذکور را در ترجمه آن به زبان فارسی مورد تحلیل قرار دهد و از آنجا که مؤلفه‌های معنایی حرکت در سطح جمله پراکنده‌اند، در تحلیل موردنظر جمله را مبنای کار خود قرار داده و تک‌تک رویدادهای حرکتی متن مذکور و ترجمه فارسی آن را در قالب جمله مورد توجه قرار داده‌ایم. شایان ذکر است که در تحلیل‌های پژوهش، مؤلفه‌های حرکتی شیوه و مسیر که همواره در حرکت انتقالی نقش‌آفرینی می‌کنند بسیار مورد تأکید بوده است. در مرحله بعدی، مؤلفه‌های معنایی رویدادهای حرکتی، به ویژه شیوه و مسیر حرکت (در متن اصلی و متن ترجمه‌شده) بازشناخته شده‌اند و مشخص گردیده است که در این فرایند ترجمه، آنها در کدام صورت زبانی واژگانی شده‌اند. نگارنده در این مرحله، «معنی‌شناسی مکانی-توزیعی^۲» سینها و کوتوا^۳ (۱۹۹۵)،

1. J.R.R. Tolkien

2. distributed spatial semantics

3 C. Sinha & T. Kuteva

را اساس پژوهش خود قرار داده است. به عبارت روشن‌تر، این پژوهش در پی آن بوده است تا در تحلیل خود تمام توصیفات جمله را مورد توجه قرار دهد و صرفاً خود را محدود به فعل و گروه فعلی ننماید و از این طریق به الگوهای معنی‌شناسی توزیعی دو متن انگلیسی و فارسی در بیان رویدادهای حرکتی دست یابد. در ادامه، پس از مرور پیشینه مهم‌ترین مطالعات انجام شده در حوزه ترجمه و بررسی نحوه بازنمایی رویدادهای حرکتی در این فرایند ترجمه، نظریه فکر کردن برای صحبت کردن (اسلوبین، ۱۹۹۱؛ ۱۹۹۶ الف و ب؛ ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۰)، راهکارهای ترجمه اسلوبین (همان) و مفهوم معادل^۱ از منظر کتفورد^۲ (۱۹۶۵)، به اختصار شرح داده می‌شوند. سپس به تحلیل داده‌ها می‌پردازیم.

پیشینه پژوهش

امروزه مقوله حرکت در حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی بسیار مورد توجه قرار گرفته است و به‌عنوان یکی از ابزارهای شناختی پرکاربرد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این امر اهمیت این مقوله شناختی را در زبان‌شناسی شناختی می‌نمایاند. محققانی همچون استابس^۳ (۲۰۰۰)، اثبات نموده‌اند که می‌توان از طریق پیکره و مقایسه بین‌زبانی متون و ترجمه‌های آنها به زبان‌های مختلف به تحلیل الگوهای زبانی و عوامل دخیل در تفاوت‌های بین‌زبانی موجود در نحوه توصیف رویدادهای حرکتی پرداخت. در سال‌های اخیر، بررسی ارتباط بین صورت و معنا، یکی از حوزه‌های پرکاربرد زبان‌شناسی شناختی و مطالعات مربوط به ترجمه بوده است (روجا^۴ و ایبارکس سانتینونو^۵، ۲۰۱۳: ۱۶). از جمله، اسلوبین (۱۹۹۶ ب)، در یکی از مقالات تأثیرگذارش تحت عنوان «دو مسیر برای سفر، افعال حرکتی در زبان‌های انگلیسی و اسپانیایی»^۶ رمزگذاری‌های متفاوت رویدادهای حرکتی در دو زبان انگلیسی و اسپانیایی را بازمی‌کاود. وی (همان)، بر این باور است اگرچه مفهوم حرکت در همه زبان‌ها بازنمایی می‌یابد، لیکن زبان‌ها در نحوه توصیف رویدادهای حرکتی یکسان و مشابه عمل نمی‌کنند. وی تفاوت در نحوه بیان شیوه و مسیر حرکت را دو پیامد مهم رده‌شناسی زبان‌ها با الگوی واژگانی‌شدگی فعل‌بنیاد و تابع بنیاد می‌داند. اسلوبین (۱۹۹۶ ب)، همچنین تصریح می‌نماید که این تفاوت‌های واژگانی به خصوص برای مترجمانی که موظفند سبک بلاغی زبان مبدأ را به زبان مقصد انتقال دهند حائز اهمیت می‌نماید. اسلوبین در این پژوهش و مطالعات بعدی خود (۱۹۹۷؛ ۲۰۰۰)، بر مبنای بررسی رویدادهای حرکتی چندین رمان و ترجمه آنها به زبان‌های مختلف از جمله انگلیسی و اسپانیایی راهکارهایی به دست می‌دهد که مترجمان زبان‌های فعل‌بنیاد در فرایند ترجمه متون از زبان‌های تابع‌بنیاد اتخاذ می‌نمایند. افزون بر این، وی (۲۰۰۵)، راهکارهای مورد وصف را در ترجمه فصل ششم کتاب *هابیت* (۱۹۳۷)، به چندین زبان

1. equivalent

2. J.C. Catford

3. M. Stubbs

4. A. Roja

5. I.Ibarretxe - Antunano

6. Two ways to travel: verbs of motion in English and Spanish

فعل‌بنیاد و تابع‌بنیاد نظیر اسپانیایی، پرتغالی، عبری، ترکی و جز آن مورد بررسی قرار می‌دهد. اسلوبین (۲۰۰۵) اثبات می‌نماید که مقایسه زبان‌ها از طریق ترجمه، آزمونی جدی برای ارزیابی قابلیت‌های^۱ یک زبان فراهم می‌آورد و از آنجا که در فرایند ترجمه تلاش بر آن است که ویژگی‌های زبان مبدأ محفوظ گردد، ترجمه حداکثر امکانات یک زبان را برای ما نمایان می‌سازد.

ایبارکس سانتینونو (۲۰۰۳)، نیز راهکارهای ارائه شده از سوی اسلوبین (۱۹۹۶؛ ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۰) را در متن اصلی رمان هابیت (۱۹۳۷) به زبان انگلیسی و ترجمه آن به زبان‌های باسک^۲ و اسپانیایی ارزیابی می‌کند و از این طریق ویژگی‌های رده‌شناسی و سبکی و همچنین امکانات خاص زبان‌های مورد وصف را بررسی می‌نماید. سوگیاما^۳ (۲۰۰۰) و اُه^۴ (۲۰۰۳) نیز نحوه بازنمایی مؤلفه‌های معنایی مسیر و شیوه حرکت را در فرایند ترجمه رمان هابیت به ترتیب به زبان‌های ژاپنی و کره‌ای بررسی نموده و از این طریق امکانات و ویژگی‌های زبان‌های مذکور را با زبان انگلیسی مورد بازکاوی قرار داده‌اند.

نظریه فکر کردن برای صحبت کردن

اسلوبین (۱۹۹۱؛ ۱۹۹۶ الف و ب؛ ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۰)، در پی بررسی رده‌شناسی تالمی (۱۹۹۱؛ ۲۰۰۰ ب)، صورت تغییر یافته‌ای از «نسبیت زبانی»^۵ که پیش‌تر در نیمه اول قرن بیستم توسط سایپر^۶ (۱۹۲۴) و ورف^۷ (۱۹۴۰)، بر اساس رده‌شناسی و روان‌شناسی زبان^۸ مطرح شده بود را به دست می‌دهد؛ فکر کردن برای صحبت کردن. اسلوبین (۱۹۹۷؛ ۴۳۹)، اذعان می‌دارد که الگوهای واژگانی‌شدگی در میزان تأکید بر عناصر معنایی مسیر و شیوه حرکت و نیز در نحوه تعامل و ایجاد ارتباط، دارای پیامدهای قابل توجهی است. این پیامدها در گزینش واژگان و گفتمان‌روایی نحوی نمایان است. نظریه فکر کردن برای صحبت کردن، از این جهت با نظریه نسبیت زبانی سایپر (۱۹۲۴) و ورف (۱۹۴۰)، متفاوت است که هدف غایی در نظریه فکر کردن برای صحبت کردن، اثبات تأثیر دستور زبان بر جهان‌بینی یا رفتار غیرزبانی (نسبیت زبانی) نمی‌باشد. بلکه در پی آن است تا اثبات نماید چگونه سخنگویان یک زبان خاص تفکر خود را مطابق با ابزارهای زبانی که آن زبان خاص فراهم می‌آورد سازماندهی می‌کنند. به کلام دیگر، اسلوبین بر پایه این نظریه ادعا می‌کند که ویژگی‌های زبان‌ویژه در کاربرد زبان بسیار تأثیرگذار هستند (ایبارکس سانتینونو، ۲۰۰۴؛ ۹۱). فکر کردن برای صحبت کردن یعنی بررسی رده‌شناسی زبان در چارچوب کارکرد زبان (ایبارکس سانتینونو، ۲۰۱۲؛ ۴).

1. capacities
2. Basque
3. Y. Sugiyama
4. K. Oh
5. linguistic relativity
6. E. Sapir
7. B. Whorf
8. psycholinguistics

راهبردهای ترجمه اسلوبین

اسلوبین (۱۹۹۶ الف و ب؛ ۲۰۰۰؛ ۲۰۰۵)، در بررسی فرایند ترجمه از زبان‌های فعل‌بنیاد به زبان‌های تابع‌بنیاد، با توجه به الگوهای واژگانی‌شدگی متفاوت در توصیف مسیر و شیوه حرکت نشان می‌دهد که مترجمان راهبردهای متفاوتی را به کار می‌بندند. در فرایند ترجمه اطلاعات مربوط به شیوه حرکت، در اکثر موارد، مترجمان تمایل به حذف شیوه حرکت دارند (ایبارکس سانتینونو، ۲۰۰۳: ۱۵۶). طبق مشاهدات اسلوبین (۱۹۹۶ الف و ب؛ ۲۰۰۰؛ ۲۰۰۵)، مواردی نیز مشاهده می‌گردد که مترجمان از افعال مسیرنما به جای افعال شیوه‌نما استفاده می‌کنند. در خصوص مسیر حرکت نیز اسلوبین (همان)، دو راهبرد متفاوت ارائه می‌نماید:

- حذف برخی عناصر مسیر.

- بیان کامل اطلاعات مربوط به مسیر حرکت.

البته به گفته ایبارکس سانتینونو (۲۰۰۳: ۱۵۶)، این امکان نیز وجود دارد که مترجمان نسبت به متن اصلی امانت‌دار باشند. اما همان‌گونه که اسلوبین (۱۹۹۶ الف: ۲۱۳)، خاطر نشان می‌سازد، این امر به این مهم بستگی دارد که مترجم «وزن روایی»^۱ را به هر یک از عناصر معنایی منتقل نماید. لذا ترجمه‌هایی نیز وجود دارد که در آن اطلاعات مربوط به شیوه حرکت حفظ می‌گردد و یا در عبارتهای جداگانه و یا در یک فعل ادغامی «حرکت + شیوه» صورت‌بندی می‌شود.

به زعم اسلوبین (۱۹۹۶ الف؛ ۲۰۰۰)، در خصوص رمزگذاری اطلاعات مربوط به مسیر حرکت، در برخی موارد، مترجم به این دلیل که این نوع اطلاعات برای توصیف صحنه ضروری نمی‌نماید و یا با صحنه مورد وصف مرتبط نمی‌باشد آن را حذف می‌کند. در برخی موارد نیز مترجم تمام عناصر مربوط به مسیر حرکت را حفظ می‌کند. اما در عوض، برای مقابله با محدودیت‌های واژه- نحوی^۲ یا واژگانی زبان ویژه، راهکارهایی نظیر درج یک فعل جدید را اتخاذ می‌نماید.

چکیده‌ای از راهکارهای فوق را می‌توان در جدول زیر مشاهده نمود:

جدول ۱: راهبردهای ترجمه اسلوبین، برگرفته از ایبارکس سانتینونو (۲۰۰۳: ۱۵۶)

| اطلاعات مربوط به شیوه حرکت | |
|----------------------------|--|
| راهبرد M-1 | حذف اطلاعات مربوط به شیوه حرکت |
| راهبرد M-2 | ترجمه تمام اطلاعات مربوط به شیوه حرکت (از طریق فعل یا یک عبارت مجزا) |
| راهبرد M-3 | جایگزینی اطلاعات مربوط به شیوه حرکت با یک فعل مسیرنما |
| اطلاعات مربوط به مسیر حرکت | |
| راهبرد P-1 | حذف برخی عناصر مربوط به مسیر |
| راهبرد P-2 | درج یک فعل حرکتی جدید، معمولاً یک فعل مسیرنما |
| راهبرد P-3 | ترجمه تمام اطلاعات مربوط به مسیر حرکت |

1. narrative weight
2. morphosyntactic constraints

مفهوم معادل از منظر کتفورد

مفهوم معادل از مهم‌ترین موضوعات قابل بحث در میان نظریه‌پردازان مطالعات ترجمه بوده است (فاست،^۱ ۱۹۹۷: ۵۳). برخی از نظریه‌پردازان از جمله کتفورد (۱۹۶۵)، ترجمه را برحسب معادل تعریف می‌کنند. از منظر کتفورد (همان)، ترجمه جایگزینی مواد متنی در زبان مبدأ با مواد متنی در زبان مقصد می‌باشد. وی بیشتر بر مدل‌های کلان زبانی بین مبدأ و مقصد تمرکز داشته است (زکوان^۲، ۱۳۸۸). کتفورد (۱۹۶۵)، ضمن بررسی مفهوم تعادل ترجمه‌ای^۳ شرایطی را برای آن ذکر می‌کند و در راستای بررسی شرایط ضروری تعادل ترجمه‌ای نظرش را این‌گونه ارائه می‌دهد: «در ترجمه کامل، عناصر زبان مبدأ و مقصد زمانی معادل ترجمه‌ای یکدیگر به شمار می‌روند که در موقعیت معین قابل تعویض باشند. به همین دلیل، تعادل ترجمه‌ای غالباً در مرتبه جمله برقرار می‌شود» (کتفورد، ۱۳۷۰: ۸۶).

کتفورد (۱۹۶۵: ۲۷)، بر این باور است که ما باید بین تعادل ترجمه‌ای به‌عنوان یک پدیده تجربی که از مقایسه متن در زبان مبدأ و زبان مقصد حاصل می‌گردد از یک سو و شرایط اساسی یا توجیه معادل ترجمه‌ای از سوی دیگر تمایز قائل شویم. وی (همان)، همچنین بین تعادل متنی^۴ و تناظر صوری^۵ تفاوت قائل می‌گردد. معادل متنی به هر متنی در زبان مبدأ (TL) اطلاق می‌گردد که معادل متن مقصد یا بخشی از متن در زبان مقصد (SL) می‌باشد. حال، تناظر صوری به هر مقوله در زبان مبدأ (واحد^۶، طبقه، ساختار، عنصر ساختار و جز آن) اشاره دارد که می‌توان گفت تقریباً تا حد ممکن در مکان مشابهی که مقوله موردنظر در زبان مبدأ اشغال کرده واقع شده است (کتفورد، ۱۹۶۵: ۲۷). وی همچنین تصریح می‌نماید که هر زبانی کاملاً منحصر به فرد می‌باشد، یعنی مقوله‌های هر زبان در چارچوب ارتباطی که درون آن زبان حاکم است تعریف و تعیین می‌گردند، لذا، روشن است که تناظر صوری تقریباً همواره امری تقریبی می‌باشد. کتفورد (۱۹۶۵)، در بخش تعادل ترجمه‌ای کتاب خود با عنوان یک نظریه ترجمه از دیدگاه زبان‌شناسی^۷ شرایطی را برای بررسی معادل در ترجمه به‌دست می‌دهد. این شرایط به قرار زیر است:

۱- معادل ترجمه‌ای متنی بر پایه‌ی مهارت و تسلط گویشور^۸ یا مترجم دوزبانه متبحر استوار است.

۲- از دیگر شرایطی که کتفورد (همان: ۲۸)، برای بررسی معادل در ترجمه مطرح می‌نماید، آن است که ممکن است افراد در فرایند ترجمه به طور نظامند تغییراتی^۹ را در متن اصلی (مبدأ) اعمال نمایند و بررسی کنند که در پی این تغییرات چه تفاوت‌هایی در متن مقصد روی می‌دهد. لذا، معادل ترجمه‌ی متنی آن است که بخشی از متن مقصد تنها و تنها زمانی تغییر می‌کند که بخش مورد نظر در زبان مبدأ تغییر نماید.

1. P. Fawcett
2. L. Zequan
3. translation equivalence
4. textual equivalence
5. formal correspondence
6. unit
7. a Linguistic theory of Translation
8. informant
9. commutation

۳- در برخی موارد، فرد به طور کلی بر دانش خود از زبان تکیه می‌کند. در چنین شرایطی، محقق در نقش یک گویشور و با تکیه بر تجربه خود و بدون طی کردن روند تغییر، به طور شمی معادل‌های متنی را بازکاوی می‌نماید (کنفورد، ۱۹۶۵: ۲۸). وی (همان)، بر این باور است که با تمام این تفاسیر، تغییر یک آزمون نهایی برای یافتن معادل‌های متنی قلمداد می‌گردد و این به خصوص زمانی کارآمد است که تعادل در متن مبدأ و متن مقصد از نوع تناظر یک به یک نباشند.

۴- در برخی موارد، هیچ‌گونه معادلی در زبان مقصد برای عنصر موردنظر در زبان مبدأ وجود ندارد. این شرایط مجدداً از طریق فرایند تغییر شرح داده می‌شود. کنفورد (۱۹۶۵: ۲۹)، با ذکر مثال زیر این موقعیت را ترسیم می‌نماید. معادل حرف نکره «a» در زبان انگلیسی، در متن روسی هیچ معادلی ندارد. زیرا این زبان فاقد نظام حرف تعریف می‌باشد:

SL: My father was a doctor.

TL: Otets u men'a byl doctor.

(پدر من یک دکتر است.)

در مثال فوق، کنفورد (همان)، توضیح می‌دهد که معادل صرفاً می‌تواند در مرتبه بالاتری یعنی گروه تحقق یابد. گروه اسمی «a doctor» در زبان انگلیسی معادل گروه اسمی «doctor» در زبان روسی قلمداد می‌گردد. به طور کلی، تعادل صفر^۱ در یک مرتبه حاکی از آن است که معادل تنها می‌تواند در یک مرتبه بالاتر روی دهد.

۵- همچنین ممکن است برخی عناصر خاص زبان مبدأ تقریباً چندین مرتبه وقوع یابند. در هر وقوع، یک معادل متنی خاص در زبان مقصد برای آن وجود دارد (کنفورد، ۱۹۶۵: ۲۹). به این ترتیب که با مشاهده هر معادل متنی خاص، می‌توانیم برای هر عنصر در زبان مبدأ یک عبارت کلی به عنوان معادل متنی آن بیابیم. در هر وقوع، عنصر موردنظر در زبان مبدأ ممکن است همواره با معادل مشابهی در زبان مقصد همراه باشد. در این مورد، عبارت تعادل متنی کلی با معادل متنی خاص آن عنصر یکی است. لیکن، آن دو به لحاظ کمی با یکدیگر متفاوت هستند (کنفورد، ۱۹۶۵: ۳۰).

۶- گاهی اوقات عناصر زبان مبدأ در متن به دفعات تکرار می‌شوند و معمولاً در طول یک متن بلند در زبان مقصد از بیش از یک معادل برخوردارند. هر معادل خاص به تعداد دفعات مشخصی وقوع می‌یابد. ما با تقسیم نمودن وقوع هر معادل خاص برای کل میزان وقوع عنصر مبدأ احتمال معادل‌یابی هر معادل خاص را بررسی می‌نماییم. به عنوان مثال، در یک داستان کوتاه به زبان فرانسه که مشتمل بر ۱۲۰۰۰ واژه می‌باشد، حرف اضافه «dans»، ۱۳۴ مرتبه تکرار شده است. معادل‌های متنی این عنصر در ترجمه آن به زبان انگلیسی، به صورت «in»، ۹۸ مرتبه، «into»، ۲۶ مرتبه، «from»، ۲ مرتبه و «inside» و «about»، یک مرتبه وقوع یافته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ۶ وقوع از حرف اضافه «dans» وجود دارد. در اینجا، ما نه

1. nil equivalence

با معادل صفر و نه با معادل مشخصی در زبان انگلیسی مواجه هستیم. بر حسب احتمال، ارزیابی تعادل ترجمه‌ای آن به قرار زیر است:

Dans = ۷۳٪ in ، Dans = ۱۹٪ into ، Dans = ۱۵٪ from ، Dans = ۷۵٪ about/inside (کتفورد ۱۹۶۵: ۳۰)

آنچه مبحث تحلیل حرکت در زبان را به معادل در ترجمه پیوند می‌دهد، مطالعه راهکارهای ترجمه اسلوبین (۱۹۹۱؛ ۱۹۹۶ الف و ب؛ ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۰) در نحوه بازنمایی رویدادهای حرکتی در فرایند ترجمه می‌باشد. راهکارهای ترجمه در حقیقت شیوه‌ای برای پرداختن به مفهوم معادل در حیطه ترجمه رویداد حرکتی در زبان است.

تحلیل داده‌ها

در این بخش بر اساس پرسش‌های مطرح شده در بخش مقدمه، رویدادهای حرکتی متن موردنظر (فصل ششم رمان هابیت) را بر اساس راهبردهای ترجمه اسلوبین (همان)، در دو دسته راهبردهای مربوط به شیوه حرکت و راهبردهای مربوط به مسیر حرکت طبقه‌بندی نموده‌ایم.

بررسی راهبردهای ترجمه (شیوه حرکت)

پس از بررسی پیکره پژوهش و تحلیل ۱۱۹ نمونه از رویدادهای حرکتی متن که دارای مؤلفه شیوه حرکت می‌باشند مشخص گردید که مترجم فارسی‌زبان در ترجمه رویدادهای حرکتی و مشخصاً در مواجهه با شیوه حرکت در بیشتر مواقع یعنی دقیقاً با بسامد ۷۴٫۷۸٪، این اطلاعات حرکتی را به طور کامل یا در یک فعل شیوه‌نما و یا یک عبارت مجزا به زبان فارسی ترجمه نموده است (راهبرد M-2). مثال زیر نمونه‌ای از این راهبرد را نشان می‌دهد:

1- Bilbo has **escaped** the goblins.

- بیل‌بو از دست گابلین‌ها فرار کرده بود.

در این جمله، فعل انگلیسی escape (فرار کردن)، یک فعل حرکتی شیوه‌نما و مسیرنما به شمار می‌آید. بدین معنا که علاوه بر حرکت، مؤلفه شیوه و مسیر حرکت (دور شدن از زمینه) را نیز در خود واژگانی نموده است. در ترجمه این رویداد حرکتی به زبان فارسی، مترجم از فعل حرکتی (فرار کردن) استفاده کرده است. این فعل نیز یک فعل شیوه‌نما و مسیرنما محسوب می‌گردد و اطلاعات مربوط به شیوه و مسیر حرکت را می‌نمایاند. در این نمونه همان‌طور که شرح داده شد، اطلاعات مربوط به شیوه حرکت در ستاک فعل بیان شده است.

پس از راهبرد M-2، به ترتیب راهبرد M-3، یعنی جایگزینی فعل شیوه‌نما با یک فعل مسیرنما با آمار ۲۵٫۲۱٪ و راهبرد M-1، یعنی حذف اطلاعات مربوط به شیوه حرکت با ۱۷٫۶۴٪، بالاترین بسامد وقوع را به خود اختصاص داده‌اند. نمونه‌ای از راهبرد ترجمه M-3 و M-1 را می‌توان در مثال زیر مشاهده نمود:

2- Gandalf, who was a good deal taller than the others, had found a tree **into** which they could not **climb**.

- گندالف که یک سر و گردن از دیگران بلندتر بود، درختی پیدا کرده بود که بقیه از آن نمی‌توانستند بالا بروند.

در نمونه شماره ۲، فعل حرکتی climb (پريدن)، فعل شیوه‌نما به شمار می‌آید. گروه حرف اضافه into که اسم آن (tree)، مستتر است، مسیر حرکت را می‌نماید. مترجم برای بیان این اطلاعات حرکتی، فعل مسيرنمای (بالارفتن) را جایگزین فعل شیوه‌نما نموده است و اطلاعات مربوط به شیوه حرکت (حرکت به شیوه پريدن) را حذف نموده است (M-1).

در محدوده این ترجمه (علیزاده، ۱۳۸۳)، علاوه بر راهبردهای فوق، راهبردهای دیگری نیز مشاهده گردید. مترجم در یک نمونه، یک فعل غیر حرکتی را جایگزین فعل شیوه‌نما نموده است. نگارنده این راهبرد ترجمه را M-4، نامگذاری می‌کند:

3- And **wound into the wood**.

- و پیچ و تاب خوران تا بیشه ادامه پیدا می‌کرد.

در این رویداد حرکتی، فعل حرکتی wind (پیچ خوردن)، یک فعل حرکتی شیوه‌نما محسوب می‌گردد. گروه حرف اضافه into the wood، نیز مسیر دقیق حرکت را نشان می‌دهد. حال، در ترجمه فارسی این جمله مشاهده می‌کنیم که مترجم از یک فعل ساده (ادامه پیدا کردن)، بهره گرفته است. فعل مورد بحث هیچ‌گونه اطلاعات حرکتی را نمی‌نماید. علاوه بر راهبرد فوق، مترجم شیوه حرکت را در یک عبارت مجزا (پیچ و تاب خوران) بیان نموده است (M-2).

جمله شماره ۴ نیز نمونه‌ای است که در آن یک فعل حرکتی ساده جایگزین فعل شیوه‌نما گردیده است. این راهبرد را M-5، می‌نامیم.

4- At times they were **marching along** quiet as quiet **over a floor of pine-needles**.

- گاه در سکوت مطلق روی فرش‌های سوزنی کاج راه می‌پیمودند.

فعل حرکتی march along (راهپیمایی کردن، تند تند راه رفتن)، گروه فعلی است که ستاک فعل یعنی march، شیوه و مسیر حرکت را واژگانی می‌کند و تابع آن یعنی along، به همراه گروه حرف اضافه over a floor of pine-needles، جهت دقیق حرکت را می‌نماید. مترجم نیز با استفاده از فعل حرکتی (پیمودن)، این رویداد حرکت را به زبان فارسی منتقل می‌نماید و با استفاده از گروه حرف اضافه (روی فرش‌های سوزنی)، جهت دقیق حرکت را نشان می‌دهد. فعل حرکتی (پیمودن)، مفهوم حرکت از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر را بدون ادغام مؤلفه معنایی دیگر بازنمایی می‌نماید. از این رو، یک فعل حرکتی ساده محسوب می‌گردد. باید اشاره نماییم که در این نمونه، شیوه حرکت در فرایند ترجمه حذف شده است (M-1).

در ادامه، به راهبردهای M-6، M-7 و M-8 اشاره خواهیم کرد که محدود به ترجمهٔ علیزاده (۱۳۸۳) می‌باشد و بر پایهٔ نوع و کمیت اطلاعات مربوط به شیوهٔ حرکت استوار است: مترجم در دو نمونه از پیکره تحت بررسی، راهبرد «ترجمه بخشی از اطلاعات مربوط به شیوه حرکت» را اتخاذ نموده است. ما آن را راهبرد M-6، می‌نامیم. مثال زیر نمایانگر این راهبرد می‌باشد:

5- And was scuttling about from trunk to trunk.

- از این تنه به آن تنه می‌دوید.

فعل حرکتی scuttle about (تند تند دویدن با قدم‌های ریز)، فعل شیوه‌نما و مسیرنمایی است که ستاک فعل اطلاعات مربوط به شیوه و مسیر حرکت (دور از زمینه) را در خود واژگانی کرده است و تابع فعلی آن بر مسیر حرکت تأکید دارد. نویسنده برای ترسیم مسیر حرکت از گروه‌های حرف اضافهٔ from trunk و to trunk، بهره گرفته است. حال در ترجمهٔ فارسی این رویداد حرکتی مشاهده می‌کنیم که مترجم فعل حرکتی (دویدن)، را انتخاب کرده است. این فعل نیز اطلاعات مربوط به مسیر و شیوه حرکت را در خود نشان می‌دهد. با این تفاوت که بخشی از مؤلفهٔ شیوه (با قدم‌های ریز) حذف شده است. نمونهٔ شماره ۶، مربوط است به راهبرد «ترجمهٔ نوع متفاوتی از شیوه حرکت» که ما آن را راهبرد M-7، می‌نامیم. این راهبرد در دو نمونه از پیکرهٔ تحت بررسی مشاهده گردید:

6- A few eagles were still circling and sweeping above the battle-ground.

- هنوز چندتایی از عقاب‌ها بالای میدان نبرد چرخ می‌زدند و حمله می‌کردند.

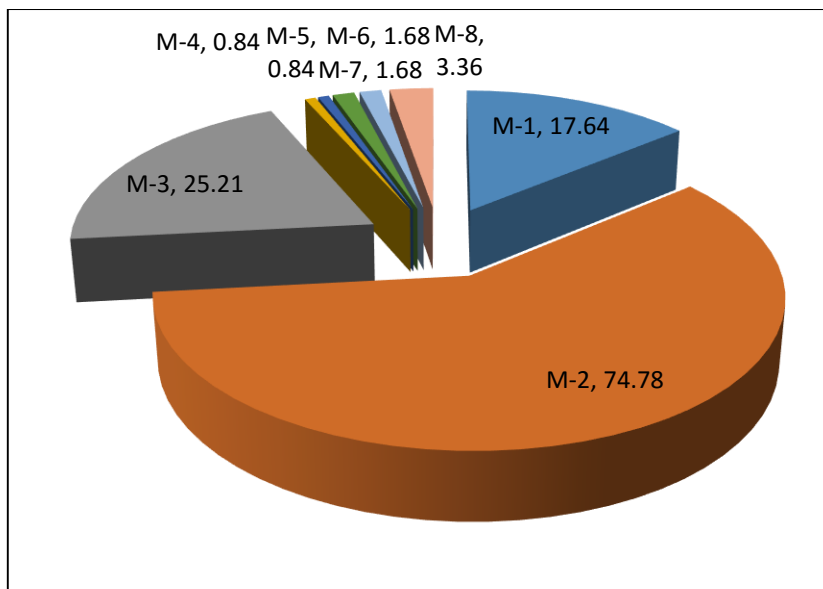
در جملهٔ اصلی، فعل انگلیسی sweep (با سرعت حرکت کردن)، فعل حرکتی شیوه‌نمایی است که اطلاعات مربوط به شیوه حرکت را می‌نمایاند. حال، مترجم فارسی‌زبان فعل حرکتی (حمله کردن)، را معادل آن قرار داده است. این فعل حرکتی مسیر و شیوهٔ حرکت را در خود واژگانی می‌کند. در اینجا، مترجم با انتخاب این فعل حرکتی نوع متفاوتی از شیوهٔ حرکت را بیان می‌کند. در پایان این بخش به راهبرد M-8، اشاره می‌نماییم که مربوط به بسط اطلاعات مربوط به شیوهٔ حرکت می‌باشد. شایان ذکر است که این راهبرد در تعداد ۵ نمونه از داده‌ها مشاهده گردیده است:

7- As he came hurtling down like a thunderbolt.

- اگر مثل برق از آن بالا می‌پرید پایین،

در جملهٔ انگلیسی فوق، گروه فعلی come down (پایین آمدن)، یک فعل مسیرنما محسوب می‌گردد. مترجم برای بیان این رویداد حرکتی به زبان فارسی فعل شیوه‌نمای (پریدن) را معادل آن قرار داده است. سازهٔ قیدی (پایین)، نیز به‌عنوان تابع فعل بر مسیر حرکت تأکید دارد. مترجم با انتخاب فعل (پریدن)، شیوهٔ حرکت را اضافه نموده است.

نمودار ۱، توزیع راهبردهای فوق را به خوبی نشان می‌دهد:



نمودار ۱: توزیع راهبردهای ترجمه (شیوهی حرکت)

بررسی راهبردهای ترجمه (مسیر حرکت)

تحلیل داده‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد، مترجم در فرایند ترجمه مسیر حرکت از زبان انگلیسی به عنوان زبان مبدأ به زبان فارسی با مشکل عمده‌ای مواجه نبوده است. لازم به ذکر است که کل نمونه‌ها در تحلیل مسیر حرکت، ۱۷۵ رویداد حرکتی بوده است. تحلیل داده‌ها اثبات می‌نماید که در اکثر نمونه‌ها (۶۶٫۲۸٪)، مسیر حرکت پیکر به طور کامل به زبان فارسی ترجمه گشته است (راهبرد P-3). به عنوان مثال، در جمله شماره ۸، فعل sink (غروب کردن)، یک فعل حرکتی مسيرنما می‌باشد. مترجم نیز برای بیان آن از فعل مسيرنمای (پایین آمدن) بهره گرفته است که حرکت به سمت پایین را نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که در گروه فعلی (پایین آمدن)، جزء غیر فعلی آن یعنی سازه قیدی (پایین)، حرکت به سمت به پایین را ترسیم می‌کند. لذا با اطلاعات مسیر در جمله اصلی مطابقت می‌نماید. در هر دو جمله، گروه حرف اضافه، جهت دقیق حرکت را نشان می‌دهد:

8-Till the sun began to **sink** westwards- **behind the mountains.**

- تا این که آفتاب شروع کرد به **پایین آمدن** در طرف غرب به **پشت کوه‌ها.**

پس از راهبرد P-3، راهبرد P-2 یعنی درج یک فعل حرکتی جدید که معمولاً یک فعل مسيرنما می‌باشد با ۱۳٫۷۱٪ و راهبرد P-1 یعنی حذف برخی عناصر مربوط به مسیر حرکت با ۱۰٫۲۸٪ از جمله راهبردهایی هستند که در فرایند ترجمه مسیر حرکت به زبان فارسی اتخاذ شده است. بررسی داده‌ها حاکی از آن است که مترجم عمدتاً زمانی راهبرد P-1، یعنی راهبرد حذف برخی از عناصر مسیر را اتخاذ می‌نماید که ستاک فعل،

آن اطلاعات را در خود جای داده است و یا متن این امکان را برای خواننده فراهم می‌آورد که وی مسیر بیان نشده را همچنان تصور نماید. برای روشن نمودن این ادعا می‌توان به نمونه زیر توجه کرد:

9- He sat **down**.

- او نشست.

همان‌طور که در نمونه ۹ مشاهده می‌گردد، نویسنده با استفاده از تابع فعل (down)، بر مسیر حرکت به سمت پایین تأکید دارد. حال مترجم این عنصر را در ترجمه خود بیان نداشته است. با این وجود، خواننده فارسی‌زبان از طریق فعل (نشستن)، این مسیر را نیز درمی‌یابد. افزون بر راهبردهای فوق، مترجم در انتقال اطلاعات مربوط به مسیر حرکت در نمونه‌هایی اندک‌شماری از راهبردهای دیگری (P-4؛ P-5؛ P-6؛ P-7) نیز بهره گرفته است. در نمونه ۱۰، مترجم در مواجهه با مسیر حرکت، یک فعل حرکتی ساده (حرکت می‌کرد) را جایگزین فعل مسیرنما (closed in) کرده است که ما آن را راهبرد P-4 می‌نامیم:

10- But it **closed slowly in**,

- اما یواش یواش به طرف داخل حلقه حرکت می‌کرد،

در یک نمونه از داده‌های تحت بررسی، مترجم یک فعل مسیرنما را جایگزین فعل شیوه‌نما نموده است (راهبرد P-5):

11- But they won't find it difficult to **send stones bouncing down on our heads**.

- ولی اصلاً برآشان سخت نیست که سنگ‌ها را از آن بالا قل بدهند سر ما.

فعل حرکتی send (فرستادن)، به‌عنوان یک فعل مسیرنما، مسیر حرکت نزدیک به زمینه را می‌نمایاند. تابع فعلی down، نیز بر مسیر حرکت به سمت پایین تأکید دارد. سازه قیدی bouncing، نیز شیوه حرکت را نشان می‌دهد. مترجم فارسی‌زبان برای بیان این رویداد حرکتی از فعل شیوه‌نمای (قل خوردن) استفاده کرده است. در این گروه فعلی، سازه نخست آن تابع فعل محسوب می‌گردد که نمایانگر شیوه حرکت می‌باشد. علاوه بر آن، مترجم در ۹ نمونه از رویدادهای حرکتی که دارای اطلاعات مربوط به مسیر حرکت می‌باشند، نوع متفاوتی از مسیر حرکت را ترجمه نموده است (P-6)، به جمله زیر توجه کنید:

12- And then rushed **round and round the circle** biting and snapping at the other wolves.

- و بعد توی دایره سرگذاشت به دویدن و دویدن.

در نمونه ۱۲، نویسنده از فعل حرکتی rush (تندتند حرکت کردن، دویدن)، بهره جسته است. فعل مورد بحث علاوه بر حرکت، اطلاعات مربوط به شیوه و مسیر حرکت (به سوی زمینه) را نیز در خود جای داده است. لذا، یک فعل حرکتی شیوه‌نما و مسیرنما محسوب می‌گردد. گروه حرف اضافه round and round the circle، نیز جهت دقیق این حرکت و به نوعی شیوه این حرکت را صورت‌بندی می‌کند. در ترجمه این جمله به زبان فارسی مشاهده می‌نماییم که مترجم برای بیان این رویداد حرکتی از فعل حرکتی (سرگذاشتن به

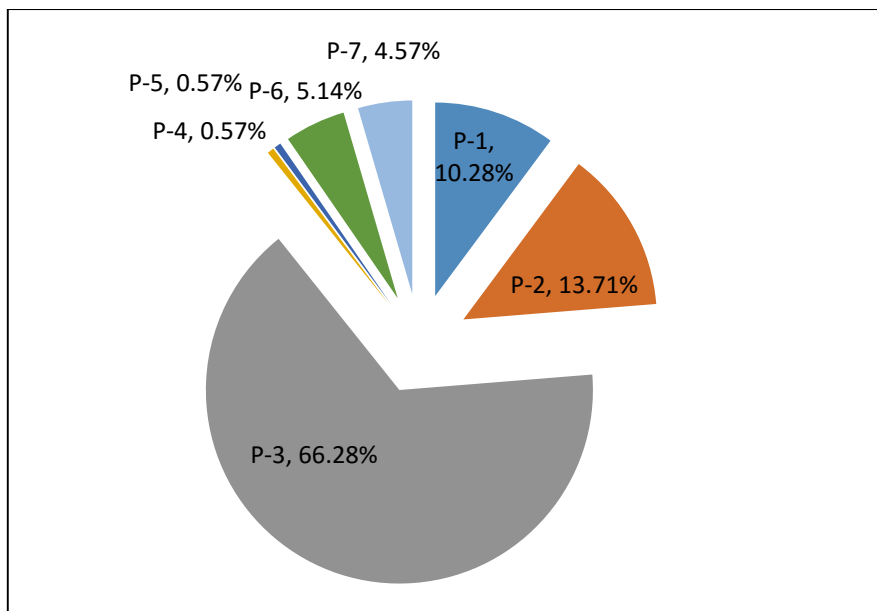
دویدن)، بهره گرفته است. این فعل حرکتی نیز شیوه و مسیر حرکت را می‌نمایاند و به معنای شروع به دویدن کردن می‌باشد. مترجم با تکرار فعل دویدن که در اینجا به صورت مصدر به کار رفته است به نوعی شیوهٔ این حرکت را به صورت شمایل‌گونه ترسیم می‌کند. تفاوتی که مشاهده می‌گردد مربوط است به ترجمهٔ مؤلفهٔ حرکتی مسیر. مترجم جهت حرکت را به‌گونه‌ای متفاوت بیان داشته است. یعنی به جای حرکت دور دایره، حرکت توی دایره را ترسیم نموده است.

بلاخره در ۸ نمونه از ۱۷۵ نمونه از رویدادهای حرکتی موردنظر، اطلاعات مربوط به مسیر حرکت بسط یافته است (P-7) مانند مثال زیر:

13- But in those days they sometimes used to go on raids.

- اما در آن روزگار گاهی وقت‌ها برای چپاول از کوه پایین می‌آمدند.

نویسنده با بیان فعل مسیرنما go (رفتن)، حرکتی را ترسیم می‌نماید که علاوه بر حرکت، مسیر حرکت به دور از زمینه را واژگانی نموده است. مترجم در رویارویی با این رویداد حرکتی از فعل مسیرنمای (پایین آمدن) بهره جسته است. در این گروه فعلی، تابع آن حرکت به سمت پایین را ترسیم می‌کند. این عنصر مسیر در جملهٔ اصلی بیان نشده است. علاوه بر آن، مترجم از یک گروه حرف اضافه نیز برای بیان اطلاعات بیشتر مسیر حرکت استفاده کرده است. نمودار زیر نمایانگر توزیع راهبردهای مسیر حرکت در این فرایند ترجمه می‌باشد:



نمودار ۲: توزیع راهبردهای ترجمه (مسیر حرکت)

مسیرهای پیچیده

به زعم اسلوبین (۱۹۹۶الف: ۲۰۶)، یک رویداد حرکتی توصیف حرکت پیکر از یک مکان به مکان دیگر می‌باشد. رویدادهای حرکتی می‌توانند شامل یک مسیر ساده و یا یک سفر^۱ باشند. یعنی یک مسیر طولانی که دارای مسیرهای پیچیده و مقصدهای فرعی است. در تحلیل پیکره پژوهش حاضر مشاهده می‌گردد که نویسنده انگلیسی‌زبان به سادگی عناصر مسیرهای پیچیده را به صورت زنجیره در کنار یکدیگر قرار داده و یک سفر را ترسیم می‌نماید. به کلام دقیق‌تر، نویسنده صرفاً با بهره جستن از یک فعل حرکتی و چند تابع مسیری، حرکت پیکر را در یک جمله بیان می‌دارد. حال، مترجم فارسی‌زبان در مواجهه با این رویدادهای حرکتی با مسیرهای پیچیده، خود را محدود نموده و برای هر مسیر حرکت یک جمله مجزا در نظر گرفته و با درج یک فعل مسیرنما برای هر مسیر، این مسیرهای پیچیده را به زبان فارسی ترجمه نموده است. لازم به توضیح است که طبق بررسی‌های اسلوبین (۱۹۹۶الف: ۲۰۰؛ ۲۰۰۵) و ایبارکس سانتینونو (۲۰۰۳)، مترجمان فرانسوی، روسی، پرتغالی، ترکی و اسپانیایی و جز آن، نیز در ترجمه این گونه مسیرهای طولانی راهبرد مشابهی را اتخاذ می‌نمایند و هر عنصر مسیر را در یک بند و در یک فعل حرکتی مجزا صورت‌بندی می‌کنند. همان‌گونه که پیش‌تر به آن اشاره شد زبان‌های فرانسه، روسی، پرتغالی، ترکی و اسپانیایی در زمره زبان‌های فعل‌بنیاد قرار دارند و این ساختار در اکثر این زبان‌ها متداول می‌باشد. لذا، می‌توانیم این‌گونه ادعا نماییم که مترجم فارسی‌زبان نیز در این خصوص از الگوی حرکتی مشابه زبان‌های فعل‌بنیاد تبعیت نموده است. برای روشن‌تر شدن این مطالب، به نمونه زیر توجه کنید:

14- He still **wandered on, out of the little high valley, over its edge, and down** the slopes beyond.

- همین‌طور سرگردان پیشی رفت. تا این‌که از یک دره مرتفع کوچک بیرون آمد و به حاشیه دره رسید و از شیب آن سرازیر شد.

همان‌طور که مشاهده می‌گردد در نمونه‌ی ۱۴، مترجم در مواجهه با این مسیرهای پیچیده (سفر پیکر)، یعنی **out of the little high valley, over its edge, and down** the slopes beyond، هر مسیر را به طور مجزا در یک فعل مسیرنما صورت‌بندی نموده است.

بررسی الگوهای متفاوت معنی‌شناسی مکانی - توزیعی

رویکرد معنی‌شناسی مکانی - توزیعی تأکید می‌دارد که محتوای معنایی صرفاً در یک مقوله دستوری خاص ظاهر نمی‌شود و این روابط مکانی در صورت‌های متنوعی توزیع می‌گردند (سینها و کوتوا، ۱۹۹۵: ۴). اسلوبین (۲۰۰۵: ۳)، نقش این رویکرد را در نمایاندن تمام زوایای حرکت و نحوه صورت‌بندی آن پررنگ می‌داند. به اعتقاد اسلوبین (همان)، در این گونه تحلیل‌ها باید مواردی از قبیل نوع پیکر، طرز راه رفتن پیکر، جهت حرکت از منظر راوی و جز آن را مورد توجه قرار دهیم. در بررسی مقابله‌ای نمونه‌های تحت بررسی مشخص

1. journey

شد که در برخی موارد توزیع اطلاعات مکانی در متن اصلی و ترجمه فارسی آن با یکدیگر متفاوت است. نمونه‌های زیر مؤید مطالب فوق می‌باشد.

15- And even the wrags dared not to **attack** them.

- و حتی وارگ‌ها .. جرأت **حمله** به آنها را نداشتند.

در نمونه ۱۵، روشن است که نویسنده برای بیان رویداد حرکتی از فعل حرکتی (attack) بهره جسته است. حال، مترجم یک واژه از مقوله اسم (حمله) را معادل آن قرار داده است. این عنصر واژگانی نیز همان مفاهیم حرکتی را به زبان فارسی بیان می‌دارد. لیکن، طبقه دستوری این دو مقوله با یکدیگر متفاوت است.

16- At times they were **pushing through** a sea of bracken with tall fronds rising right above the hobbit's head.

- گاه و بی‌گاه **مجبور می‌شدند** از میان دریای سرخس‌ها با ساقه‌هایی به بلندی قد قواره هابیت، راه **خود را بازکنند**.

در نمونه ۱۶، اطلاعات مربوط به شیوه حرکت (به زور و اجبار) در گره فعلی (push through)، صورت‌بندی شده است. حال مترجم فارسی‌زبان با توجه به ابزارهای زبان فارسی، از طریق یک فعل غیر حرکتی (مجبور شدن)، این مفهوم حرکتی را به زبان مقصد ترجمه نموده است.

افزون بر موارد فوق، همان‌طور که داده‌های پژوهش نشان می‌دهد، گاهی اوقات گروه حرف اضافه به جای تابع در فرایند ترجمه به کار رفته است. بدین معنا که برای برگردان مفهوم حرکت دو مقوله دستوری کاملاً متفاوت به یکدیگر تبدیل شده‌اند. نمونه‌های ۱۷ و ۱۸ تأییدی است بر مطالب فوق:

17- They limped along now as fast as they were able **down** the gentle slopes.

- لنگ‌لنگان با آخرین سرعت ممکن از سراشیبی ملایم ... **به پایین** سرازیر شدند.

18- They came suddenly **to** an opening where no trees grew.

- یک دفعه **به یک میدانچه خالی از درخت** رسیدند.

از این مطالب می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که بحث معادل در این فرایند ترجمه و در این تقابل دستوری، به صورت آرمانی ناممکن می‌نماید. اما ابزارهای زبانی دیگری در زبان مقصد برای بیان مسیر حرکت وجود دارد که می‌تواند متعلق به مقوله‌های دستوری دیگری باشد. یعنی مفهوم معادل در این مورد خاص، مطلقاً آن مفهوم آرمانی که بررسی مقابله‌ای به ما آموخته است (کتفورد، ۱۹۶۵) را نشان نمی‌دهد. به کلام روشن‌تر، مترجم در مواجهه با رویدادهای حرکتی سعی می‌دارد با توجه به ابزارهایی که زبان مقصد در اختیار او قرار می‌دهد، مفاهیم حرکتی پیکره حاضر را به زبان فارسی انتقال دهد. یعنی وی تحت تأثیر امکانات صوری زبان فارسی به رمزگذاری مؤلفه‌های معنایی حرکت و به خصوص مسیر و شیوه حرکت می‌پردازد.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس تحلیل پیکره و نتایج حاصل از آن، مشاهده گردید که مترجم فارسی‌زبان در رویارویی با رویدادهای حرکتی و ترجمه آن به زبان فارسی سعی داشته است تقریباً اکثر اطلاعات مربوط به شیوه و مسیر حرکت را به زبان فارسی انتقال دهد. وی در صورت‌بندی مفاهیم حرکتی مورد بحث از امکانات و ابزارهای صوری زبان فارسی بهره جسته است. بدین ترتیب که زبان فارسی این امکان را برای او فراهم آورده است که شیوه حرکت را در اکثر نمونه‌ها در یک فعل حرکتی یا یک عبارت مجزا بیان دارد. حال، در انتقال اطلاعات مربوط به مسیرهای پیچیده حرکت وی با محدودیت‌هایی مواجه می‌باشد. یعنی عناصر پیچیده مسیر را که نویسنده انگلیسی‌زبان به راحتی در یک فعل حرکتی و چند تابع مسیر بیان داشته است، در جملات جداگانه و از طریق فعل مسیرنا ترسیم نموده است. این ویژگی مختص زبان‌های فعل‌بنیاد می‌باشد. پژوهش حاضر امکانات و محدودیت‌هایی از زبان فارسی را می‌نمایاند که آن را در زمره زبان‌هایی جای می‌دهد که همانند زبان انگلیسی «شیوه برجسته» می‌باشند. یعنی دارای ابزارهای زبانی هستند که از قابلیت بازنمایی شیوه حرکت برخوردار هستند. از سوی دیگر، مترجم در بیان مسیرهای پیچیده همانند مترجم‌های زبان‌های فعل‌بنیاد (اسلوبین، ۲۰۰۵)، عمل کرده و رفتار مشابهی را نشان می‌دهد. از این رو، در محدوده این ترجمه می‌توانیم پیش‌بینی کنیم که زبان فارسی در پیوستاری از زبان‌های تابع‌بنیاد تا فعل‌بنیاد قرار دارد. همچنین ابزارهای زبانی که مترجم فارسی‌زبان برای بیان مسیر حرکت انتخاب نموده است در مواردی با الگوهای زبانی متن اصلی متفاوت می‌نماید. یعنی یک مفهوم حرکتی مشابه در مقوله‌های زبانی متفاوتی بازنمایی می‌یابد مانند تبدیل تابع فعل به گروه حرف اضافه برای بیان مسیر حرکت. بر اساس نظریه «فکر کردن برای صحبت کردن» اسلوبین (۱۹۹۱؛ ۱۹۹۶ الف و ب؛ ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۰)، زبان‌های مختلف در بازنمایی رویدادهای حرکتی دارای اولویت‌های معنایی - نحوی متفاوتی می‌باشند و هر فرد تفکرات خود را با قالب‌های زبانی در دسترس خود هماهنگ می‌سازد. این امکانات، انتخاب‌های دستوری و واژگانی متفاوتی را فراهم می‌آورد و سبب می‌گردد سخنگویان زبان‌های مختلف مفاهیم مشابهی را به طرق کاملاً متفاوتی بیان دارند.

دستاوردهای نهایی پژوهش

پژوهش حاضر در یک روند مطالعاتی، به بررسی بازنمود زبانی مقوله شناختی حرکت در حوزه ترجمه پرداخته است. به کلام دیگر، در یک مقایسه بین‌زبانی نحوه انتقال حرکت از زبان انگلیسی به زبان فارسی را (در یک اثر خاص و یک ترجمه از آن) مورد توجه قرار داده‌ایم. فرایند ترجمه این ارتباط بین‌زبانی را برای ما فراهم آورده است. با بررسی نحوه بازنمود رویداد حرکتی در متن مورنظر از کتاب *هابیت* و ترجمه فارسی علیزاده (۱۳۸۳)، آشکار گردید که رویداد حرکتی از جمله مسائل شناختی و زبانی است که در فرایند ترجمه از زبان

۱. نگارنده آگاه است که برای قرار دادن زبان فارسی در زمره زبان‌های فعل‌بنیاد یا تابع‌بنیاد باید ترجمه‌های دیگر این اثر را نیز مورد توجه قرار دهد و صرف یک ترجمه کفایت نمی‌کند و این ترجمه صرفاً پیش‌بینی‌هایی درباره‌ی ویژگی زبان فارسی به دست می‌دهد.

مبدأ به زبان مقصد دچار تغییراتی می‌شود. این تغییرات در قالب راهبردهای ترجمه‌ی اسلوبین (۱۹۹۱؛ ۱۹۹۶ الف و ب؛ ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۰) قابل شناسایی و تحلیل می‌باشد. از این رو، در این جستار ارزش راهکارهای ترجمه برای نگارنده مشخص شد. یکی از دستاوردهای این پژوهش بازنگری این راهکارها و افزودن بر تعداد آنها در فرایند ترجمه از زبان انگلیسی به فارسی (فصل ششم کتاب هابیت (۱۹۳۷) و ترجمه فارسی علیزاده (۱۳۸۳)) می‌باشد. این مهم دارای ارزش نظری می‌باشد. علاوه بر آن، توانسته است درباره ویژگی‌های زبان فارسی نیز پیش‌بینی‌هایی انجام دهد. به عبارت دیگر، بررسی این راهکارها و افزودن مواردی بر آن به لحاظ نظری و به دست دادن اطلاعاتی درباره زبان فارسی دارای اهمیت می‌باشد.

افزون بر این، از دستاوردهای مهم این پژوهش رسیدن به این مهم می‌باشد که مطالعه در حوزه ترجمه صرفاً به حوزه ترجمه محدود نمی‌گردد، بلکه می‌تواند اطلاعاتی درباره رده‌شناسی زبان‌ها به دست دهد. بنابراین در این جستار، افقی از رابطه بین زبان‌شناسی و ترجمه به روی ما گشوده شد.

منابع

- تالکین، جی. آر. آر (۱۳۸۳)، هابیت یا «آن‌جا و بازگشت دوباره»، ترجمه رضا علیزاده. تهران: روزنه.
- زکوان، لودئی (۱۳۸۸)، روشی برای ارزشیابی کیفیت ترجمه، ترجمه روح‌الله عطایی، مجله درباره ترجمه، سال چهارم، شماره ششم. صفحات ۷-۱۹.
- کت فورد، جی. سی (۱۳۷۰)، یک نظریه ترجمه از دیدگاه زبان‌شناسی: رساله‌ای در زبان‌شناسی کاربردی، ترجمه احمد صدارتی، تهران: نشر نی.
- Catford, J. C. (1965), *A linguistic theory of translation; an essay in applied linguistics*. London, Oxford University Press.
- Fawcett, P. (1997), *"Translating and language: Linguistic theories Explained"*. Manchester, St Jerome publishing.
- Ibarretxe-Antuñano, I. (2003), *"What translation tells us about motion: A contrastive study of typologically different languages"*. Unpublished paper, University of Deusto–University of the Basque Country, Bilbao.
- Ibarretxe-Antuñano, I. (2012), *Linguistic typology in motion events: Path and manner*. In *Anuario del Seminario de Filología Vasca 'Julio de Urquijo'*. International Journal of Basque Linguistics and Philology.
- Langacker, R. W. (1987), *Foundations of Cognitive Grammar. Vol.1*. Stanford CA, Stanford University Press.
- Oh, K. (2003), [Unpublished analysis of Korean translation of *The Hobbit*]. Dept of Psychology, University of California. Berkeley.
- Rojo, A. & I. Ibarretxe-Antuñano (2013), *"Cognitive Linguistics and Translation"*. Berlin and New York, Mouton de Gruyter.
- Sapir, E. (1924), *The grammarian and his language*. in *American Mercury* 1: 149-155.

- Sinha, C. & T. Kuteva (1995), Distributed spatial semantics. *Nordic Journal of Linguistics*, 18: 167- 199.
- Slobin, D. I. (1991), Learning to Think for Speaking: Native Language, Cognition, and Rhetorical Style. *Pragmatics* 1: 7- 26.
- Slobin, D. I. (1996a), From thought and language to thinking for speaking. In John J. Gumperz and Stephen C. Levinson. (eds). *Rethinking Linguistic Relativity*. Cambridge, Cambridge University Press: 70-96.
- Slobin, D. I. (1996b), Two ways to travel: Verbs of motion in English and Spanish. In Masayoshi Shibatani and Sandra A. Thompson. (eds). *Grammatical Constructions: Their Form and Meaning*. Oxford, Clarendon Press.
- Slobin, D. I. (1997a), Mind, code, and text, In Joan Bybee, John Haiman and Sandra A. Thompson. Eds. *Essays on Language Function and Language Type*. Dedicated to T. Givón. Amsterdam/Philadelphia, John Benjamins: 437- 467.
- Slobin, D. I. (1997b), The origins of grammaticizable notions: Beyond the individual Mind, In Dan I. Slobin, ed. *The Crosslinguistic Study of Language Acquisition*, Vol. 5, *Expanding the Context*. Mahwah, NJ, Lawrence Erlbaum: 265-323.
- Slobin, D. I. (2000), "Verbalized events: A dynamic approach to linguistic relativity and determinism". In Niemeier, S. & Dirven, R. (Eds.). *Evidence for linguistic relativity*. Berlin, Mouton de Gruyter: 107-138.
- Slobin, D. I. (2005), "Relating Narrative Events in Translation", In Ravid, D & Shyldkrot, H. B. (Eds.) (2005). *Perspectives on language and language development*. Essays in honor of Ruth A. Berman. Dordrecht: Kluwer: 115-129.
- Stubbs, M. (2001b), text, corpra and problem of interpretation. *applied linguistics*, 22(2): 72- 149.
- Sugiyama, Y. (2000), Expressing manner in the Japanese translation of *The Hobbit*: A preliminary study of comparison between Japanese and English stories. Unpublished paper. LIN 636 Seminar on Space, Time, and Force, SUNY Buffalo.
- Talmy, L. (1975), Semantics and syntax of motion. In J. Kimball. Ed. *Syntax and Semantics*, Vol 4, New York, Academic Press: 181-238.
- Talmy, L. (1985), *Lexicalization patterns: Semantic structure in lexical forms*. Cambridge, MA, The MIT Press.
- Talmy, L. (1991), Path to realization. *Proceedings of the Seventeenth Annual Meeting of the Berkeley Linguistics Society*, Berkeley Linguistics Society, University of California, Berkeley: 480-519.
- Talmy, L. (2000b), *Toward a cognitive semantics*, vol. 2. Cambridge, MIT Press.
- Tolkien, J. R. R. (1937), *The Hobbit or there and back again*. London, George Allen & Unwin.
- Whorf, B. (1940), *Science and Linguistics*. Reprinted in *Language, Thought & Reality*. Cambridge, MA, MIT Press.